



محرم یا ربیع، کدام اول سال قمری هستند؟

حجت الاسلام والمسلمین علی خازم از پژوهشگران لبنانی طی مقاله‌ای به موضوع تاریخ هجری پرداخت که مرکز خبرحوزه، پس از تلخیص و ترجمه، آن را در اختیار خوانندگان ارجمند می‌گذارد...

حجت الاسلام والمسلمین علی خازم از پژوهشگران لبنانی طی مقاله‌ای به موضوع تاریخ هجری پرداخت که مرکز خبرحوزه، پس از تلخیص و ترجمه، آن را در اختیار خوانندگان ارجمند می‌گذارد:

با فرا رسیدن اول محرم سال عربی آغاز می‌شود، اما سالروز هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، پس از محرم و در شب اول ربیع الاول (ماه سوم سال) است.

این شب به لیلۃ المبیت معروف است، شبی که امیر المؤمنین علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و پیامبر (ص) به سوی مدینه حرکت کرد و در دوازدهم ربیع الاول به آنجا رسید.

* مراسم دینی مخصوصی برای اول محرم بیان نشده است
ذکر این مقدمه از آنجا ضروری به نظر رسید که بسیاری از مسلمانان میان مسأله تاریخ و تقویم خلط کرده‌اند. زیرا از آنجا که دیگران روز آغازین سال را جشن می‌گیرند، برخی از مسلمانان نیز روز اول محرم را عید دانسته و جشن می‌گیرند. در حالی که در تاریخ اسلامی، مراسم دینی مخصوصی برای این روز بیان نشده است.

* مبدا تاریخ در امت‌های گذشته
به نوشته کتب تاریخی، هر امتی برای تاریخ‌گذاری سال‌ها و ثبت حوادث خود، مبدأی برمی‌گزیده است. مسعودی می‌نویسد: امت‌های گذشته یکی از موارد زیر را به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب می‌کردند: اول: موجودات بزرگ و حوادث عظیم و پادشاهی پادشاهان، و دوم: پایان طوفان [نوح]. و پس از آن درهم‌آمیختگی زبان در در سرزمین بابل را مبدأ تاریخ خود قرار دادند.

* تفاوت میان تاریخ و تقویم
تاریخ به تمام سال و ارتباط آن با واقعه مهم و مشخصی به عنوان مبدأی برای شمارش سال‌ها مربوط می‌شود. مانند حوادث معجزه‌آسا همچون زلزله یا کشته شدن یکی از شخصیت‌های سیاسی که در تاریخ نقل شده است. اما تقویم نیازمند مبدأ دیگری است، زیرا از این رو به تقویم نیاز هست که سال از روزهای خود تشکیل می‌شود.

از دیرباز دو شیوه برای تعیین مبدأ تقویم پیش روی انسان بوده است: گردش ماه یا گردش خورشید و یا گردش هردو.

* مبدا تقویم در ملل مختلف
از این می‌ان، یهود و عرب گردش ماه را مبدأ تقویم سال گرفتند، مصری‌ها و ایرانی‌ها و مسیحی‌ها گردش خورشید را و چینی‌ها و ژاپنی‌ها به صورت پیچیده‌ای هر دو را به عنوان مبنای تعیین مبدأ تقویم خود برگزیدند.

در گذشته، سال، نزد عرب و یهود ثابت و نامتغیر نبود، بلکه در آن تصرف می‌کردند. تصرف عرب به نسیء شناخته شده که در قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۷ به آن اشاره شده است.

* چرا عرب، اول محرم را اول سال انتخاب کرد
آنچه معروف است، بنابر نقل ابو هلال عسکری، این است که عرب اول محرم را به عنوان آغاز سال هجری اتخاذ کردند، زیرا معتقد بودند که کشتی حضرت نوح(ع) در آن هنگام بر کوه جودی پهلو گرفت. و از آنجا که تقویم عربی بر اساس گردش ماه به دور زمین است، روزهای مهم عرب از اول غروب خورشید آغاز می‌شود. زیرا رؤیت هلال در اول شب رخ می‌دهد.

* آیا سنة با عام فرق می‌کند؟
در میان عرب از دوازده ماه، خواه شمسی و خواه قمری، با سنة، عام، حول، حجة و حقه تعبیر می‌شود. در مفردات راغب درباره تفاوت سنة و عام چنین آمده است: «سنة بیشتر در سالی به کار می‌رود که در آن سختی و خشکسالی باشد و به همین دلیل از «جذب « (خشکسالی) به سنة تعبیر می‌شود. و عام در سالی استعمال می‌شود که در آن آسایش و فراوانی باشد.»

ما سخن راغب اصفهانی را نمی‌پذیریم، زیرا با نگاهی به قرآن کریم درمی‌یابیم که «#سنة» در سال همراه با خشکسالی استعمال نشده است. در مورد آیه ۱۳۰ سوره اعراف «#؛ وَلَقَدْ أَهَدْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسَّيِّئِ وَتَقْصِرَ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» نیز سنین از سنون مشتق شده است نه از سنة و سنون به نوشته مجمع البحرين یعنی خشکسالی. و بر فرض که بپذیریم سنین از سنة گرفته شده و دال بر سال همراه با قحطی است، اما دلالتی بر کثرت این استعمال ندارد، زیرا در قرآن کریم موارد دیگری وجود دارد که «#سنة» در سال پرنعمت و همراه با فراوانی به کار رفته است. مانند آیه ۲۰۵ سوره شعرا «#؛ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ.

در خصوص آیه ۲۶ مائده «#؛ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» نیز می‌گوییم: اگر دلالت بر استعمال مذکور داشته باشد، باز کثرت این استعمال از آیه فهمیده نمی‌شود، زیرا موارد مخالف نیز وجود دارد، همچون آیه ۱۲ سوره اسراء «#؛ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِ وَالْحِسَابِ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا» که سنین در سال همراه با قحطی و سختی به کار نرفته است.

در کتاب «#؛ الإِفْصَاحُ فِي فَهْمِ اللُّغَةِ» آمده است: سنة عبارت است از یک سال از هر ماهی تا همان ماه و چه بسا از نصف تابستان یا از نصف زمستان شروع شود. اما عام، سالی است که زمستان و تابستان پیوسته و متوالی داشته باشد.

به نظر بنده، حجة و حول نیز به همین معنا به کار می‌روند یعنی حج از موسم حج آغاز می‌شود و به آن ختم می‌گردد. خداوند می‌فرماید: «#؛ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتَا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره/۸۹).

از مطلب فوق به دست می‌آید که عقد ازدواج حضرت موسی (ع) نزدیک به موسم حج بسته شد، زیرا خداوند در سوره قصص، آیه ۲۷ از قول حضرت شعيب (ع) می‌فرماید: «#؛ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ».

حول عبارت است از ۱۲ ماه که در تعیین مدت شیر دادن «#؛ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره/۲۳۳)، یا مدت متعه «#؛ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ» (بقره/۲۴۰) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در الإِفْصَاحُ فِي فَهْمِ اللُّغَةِ آمده است که استعمال حِقْبَة (جمع: حقب و حقوب) برای دلالت بر سنة است. قرآن کریم می‌فرماید: «#؛ تِلْكَ آيَاتُ الْبُيُوتِ الَّتِي بُنِيَ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتَا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره/۱۸۹)، «#؛ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» (كهف/۲۴۰). اما این سخن با اشکال مواجه است، زیرا استعمال صيغه جمع حِقْبَة در قرآن کریم هیچ دلالتی بر آن ندارد که منظور از مفرد آن، سنة باشد. بلکه حِقْبَة در جایی کاربرد دارد که مقصود بیان عدد مبهمی باشد.

*گسترش اسلام و نیاز به اتخاذ مبدا برای تقویم

با گسترش اسلام نیاز بیشتری به اتخاذ یک مبدأ برای تقویم احساس شد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «#؛ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتَا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره/۱۸۹)، «#؛ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶)، «#؛ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِ وَالْحِسَابِ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا» (اسراء/۱۲) و «#؛ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِ وَالْحِسَابِ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (يونس/۵).

مسلمانان از این آیات و بویژه از آیه اخیر چنین استفاده کردند که تقویم مورد نظر اسلام بر اساس گردش ماه به دور زمین است. زیرا اکثر احکام و عبادات مبتنی بر آن است، همچون تعیین آغاز و پایان ماه رمضان و تعیین زمان وقوف در عرفات. البته در این میان حرکت خورشید نیز نادیده گرفته نشده است، مانند تعیین وقت نماز و مالیات و.... اما هر جا از قرآن کریم که لفظ سنة به طور مطلق به کار رفته باشد منظور سال قمری است.

* مبدأ تاریخ نزد عرب پیش از اسلام

مبدأ تاریخ نزد عرب پیش از اسلام، از پهلوی گرفتن کشتی نوح(ع) بر کوه جودی و پایان طوفان تغییر یافت و مبداهای دیگری برگزیده شد، تا اینکه عام الفیل، یعنی سال هجوم ابرهه حبشی به کعبه را به عنوان مبدأ تاریخ اتخاذ کردند و پیامبر(ص) نیز در همین سال چشم به جهان گشود.

*اختلاف در آغاز سال هجری

مالک از سهیلی و دیگران حکایت کرده که ربیع الاول آغاز سال هجری است، زیرا در این ماه رسول خدا(ص) وارد مدینه شد. اما جمهور مورخان بر این عقیده‌اند که محرم، اول سال هجری است.

برخی برای اتخاذ سال هجرت و روز پایان هجرت پیامبر (ص) به عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان به آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹ سوره توبه استدلال کرده‌اند «؛اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِقَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (توبه/۱۰۷) لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجُلٌ يُّحْيِيهِمْ أَنْ يُتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه/۱۰۸) أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَقَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه/۱۰۹). کیفیت استدلال به این صورت است که روز تأسیس مسجد قبا توسط پیامبر (ص) همان روز ورود حضرت به مدینه است و خداوند این روز (روز تأسیس مسجد) را به عنوان روز نخست تاریخ اسلام برگزیده و فرموده است: «؛من أول يوم...&

جناب سید جعفر مرتضی در کتاب «؛الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)& / فصل ۳/ اعمال تأسيسية في مطلع الهجرة/ ج ۴/ ص ۱۷۱ - ۱۸۳ استدلال به آیات فوق را نپذیرفته و تنها در حد استیناس ذکر کرده است. وی با همه اهتمامی که به تحقیق درباره این موضوع از خود نشان داده، اما بررسی دو موضوع زیر را از آن جهت که آن‌ها را مربوط به بحث تقویم می‌دانسته رها کرده است. این دو موضوع عبارتند از:

اول: آنچه در برخی روایات از قول امام صادق (ع) آمده که ماه رمضان اول سال است.

دوم: تفسیر آیه ۳۶ سوره توبه است که به جای تفسیر آیه، به ذکر سخن علامه مجلسی در بحار الأنوار بسنده کرده. علامه می‌گوید: تعیین هجرت پیامبر (ص) به عنوان مبدأ تاریخ از سوی جبرئیل (ع) و مستند به وحی و منسوب به حدیث نبوی است.

آنگونه که پیداست آیه مذکور تصریح می‌کند که سال و تقسیم آن از معارف و قضایای حقیقی دین است نه از قضایای اعتباری. اما علامه مجلسی سعی کرده چنین نشان دهد که از قضایای اعتباری است و می‌توان چندین محور را به عنوان مبدأ در نظر گرفت. وی گفته است: این امور با تفاوت اعتبارها و ملاحظات تفاوت پیدا می‌کند. می‌توان اول سال شرعی را ماه رمضان، اول سال عرفی را ماه محرم، اول سال تقدیرات را شب قدر و اول سال جواز خوردن و آشامیدن را ماه شوال در نظر گرفت. (بحار الانوار/ ج ۵۵/ ص ۳۷۷ و پس از آن/ مبحث اشربه و اطعمه).

*به‌کارگیری تقویم و تاریخ در جامعه اسلامی

بررسی تاریخ به ما نشان می‌دهد که تقویم قمری در امور عبادی و با گونه‌ای به‌هم‌آمیختگی با تقویم شمسی برای ثبت مالیات استفاده می‌شد. علی منزوی، فرزند آقا بزرگ تهرانی در الذریعه/ ج ۸/ ص ۲۱۲-۲۱۴ می‌نویسد: ایرانی‌ها در زمان پادشاه ساسانی از هر صد و ده سال یک سال را به عنوان سال کبیسه که ۱۳ ماه داشت انتخاب می‌کردند. اما پس از اسلام، به دستور هشام بن عبد الملک، انجام این کار به عنوان اینکه از مصادیق نسیء است ممنوع گشت. از این رو سال اسمی از سال شمسی حقیقی به عقب افتاد و تاریخ دچار به‌هم‌ریختگی شد و زمان اخذ مالیات به هم خورد. لذا معتضد عباسی مجبور شد برنامه کبیسه را دوباره اجرا کند. از این رو نوروز را به روزی که در پایان عهد ساسانیان قرار داشت بازگرداند و مالیات را بر اساس حساب شمسی گرفت. از این زمان دو سال قمری و شمسی مورد استفاده قرار گرفت. سال قمری برای تاریخ و سال شمسی برای اخذ مالیات.

به مرور زمان حکومت جمهوری ترکیه، تاریخ هجری را از اساس حذف کرد و تاریخ میلادی را به جای آن برگزید. کشورهای عربی نیز با حذف تاریخ هجری قمری و شمسی، تاریخ میلادی را به عنوان یک تاریخ بین المللی انتخاب کردند.

در ایران از سال قمری برای ثبت تاریخ و از سال شمسی صحیح و دقیق و کاملی که ملک شاه سلجوقی ابداع کرد و به تاریخ جلالی معروف است برای گرفتن مالیات استفاده می‌شد. در هند نیز تاریخ اکبرشاهی را به جای جلالی استفاده می‌کردند.

اما این دو (جلالی و اکبر شاهی) به دلیل نسخ مبدأ تاریخ هجری، نتوانستند در کشورهای اسلامی رواج پیدا کنند. از این رو در ایران و هند دو تاریخ مستقل مورد استفاده قرار گرفت. یکی قمری که مبدأ آن هجرت پیامبر(ص) بود و دیگری شمسی که مبدأ آن تاج‌گذاری ملک‌شاه سلجوقی بود. این شیوه ادامه داشت تا اینکه مجلس نمایندگان ایران در تاریخ ۱۳۴۱ش قانونی مبنی بر اتحاد تاریخ به تصویب رساند. بر اساس این قانون، مبدأ هجری به عنوان مبدأ تاریخ برگزیده شد و سال‌ها بر اساس شمسی محاسبه گردید. این تاریخ به عنوان تاریخ رسمی دولت و مردم انتخاب گردید و در حال حاضر نیز در ایران و افغانستان رسمیت دارد.

چیزی که از نظر استاد منزوی دور مانده این است که رضا شاه پهلوی همزمان با آغاز جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سعی کرد تاریخ جدید را از میان برداشته و شیوه شاهان گذشته را احیا کند که با مخالفت امام خمینی(ره) و علمای دیگر روبرو گردید.